

# جلسه خودشناسی

۲۱ ماه رمضان - فروردین ۱۴۰۲

استاد حسین نوروزی

## خودشناسی چیست؟

کسی که با خودش آشنا شود، با خدای خود آشنا می‌گردد. **خودشناسی یعنی هدف شناسی**، یعنی انسان هدف خود را بشناسد و بفهمد که در زندگی چه هدفی دارد و برای چه خلق شده، به امید رسیدن به کجا آفریده شده است و به عشق چه کسی دارد زندگی می‌کند.

**اگر هدف را از انسان بگیرند، دیگر زنده نمی‌ماند و اگر عشق به هدف را از انسان بگیرند، انسان بی‌معنا می‌شود.** اگر می‌بینیم که معنا و هویت داریم، امیدواریم، در تلاشیم و فعالیم، زنده‌ایم و زندگی می‌کنیم، پس هدف و مقصد داریم و عشقی به این هدف در وجود ما هست. این هدفی که این‌طور امید و عشق و زندگی به ما بخشیده، کدام هدف است؟ از کجا آمده؟ قرار است به کجا برسیم که اینقدر برای رسیدن به آن در تلاش و تلاطم هستیم؟

**گمشده‌ی ما چیست؟ مقصد ما کجاست؟**

## هدف چیست؟

همه‌ی انبیاء الهی آمده‌اند به ما بگویند: «**مقصد همه‌ی شما لقاء (دیدار) خداست و همه‌ی شما تشنه‌ی حق هستید.**» خداوند فطرت انسان را الهی آفریده یعنی موجودی خلق کرده که **تشنه‌ی خدا و حقیقت است، گمشده‌اش حکمت است** یعنی معرفت و شناخت و عقل و شعور است. اما انسان از خودش غافل است و خود را نمی‌شناسد.

**امیدش در زندگی به خداست اما این را نمی‌داند.** اگر از او پرسند تو به امید چه کسی زنده‌ای و داری زندگی می‌کنی؟ می‌گویند نمی‌دانم. خیال می‌کند به امید پول، خانه، لذت و چیزهای دیگر زنده است! درحالی که نمی‌داند هیچ کدام این‌ها نیست و او به امید رسیدن به حق است که زنده است. همه‌ی عشقش حق و عدل است. عشقش خداست. **لذا اگر ببیند چیزی سر جایش نیست، درست و روی حساب نیست، به هم می‌ریزد. چرا به هم می‌ریزد؟ چون تشنه‌ی حق است.** می‌گوید این حقیقت ندارد، درست نیست، جور در نمی‌آید، عدل نیست یعنی سر جایش نیست.

اگر از او پرسیم چه می‌خواهی؟ می‌گوید نمی‌دانم. عده‌ی دیگری می‌گویند: «پول می‌خواهم.»

به او می‌گوییم: «تو که پول‌دار هستی، تو دیگر چه می‌خواهی؟ چرا ناراحتی؟ چرا نق می‌زنی؟ چرا غر می‌زنی؟» می‌گوید «وقتی می‌بینم که هیچ چیز سرچایش نیست، بهم می‌ریزم.» پس معلوم می‌شود او هم دنبال این است که عدل و حق باشد، یعنی دنبال خداست.

یا مثلاً کسی که فقیر است و هیچی ندارد، اما می‌گوید «خیالم راحت است که کارم درست است. وجدانم آرام است که به کسی ظلم نکردم، مال کسی را بر نداشتم و دزدی نکردم. خیالم راحت است.» در واقع دارد می‌گوید: «من حق و خدا را می‌خواهم، دنبال حقیقت و عدالت هستم.» انسان خداخواه است، اگر حس کند که همه جا خدا هست و همه چیز در عالم سر جایش است، دیگر هیچ چیز نمی‌خواهد. همه جور مصیبت و سختی و فشاری را تحمل می‌کند، دیگر غم و غصه‌ای نخواهد داشت.

## ویژگی افرادی که خودشناسی دارند چیست؟

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به یارانش فرمود: «فردا همه‌ی شما شهید می‌شوید»، یعنی «دار و ندارتان را از دست می‌دهید و چیزی نمی‌ماند» گفتند که «خب شهید می‌شویم که بشویم، مهم نیست! همه چیز را از دست می‌دهیم که از دست بدهیم، طوری نیست. اما آیا ما بر حق هستیم یا نیستیم؟ آیا حق با ماست؟» حضرت فرمود: «بله حق با شماست» گفتند: «حالا که حق با ما است، چیزهای دیگر مهم نیستند» این‌ها خودشان را پیدا کرده بودند. فهمیده بودند یک خواسته بیشتر ندارند آن هم خدا و حق است. این‌که من کارم درست باشد، برای خدا باشد و روی حساب زندگی کنم، مهم است. دیگر این‌که چه پیش می‌آید، اصلاً مگر مهم است؟ اصلاً این‌که چه پیش می‌آید مگر دست من و شما است؟ تا حالا هم اگر اتفاقی افتاده مگر دست من و شما بوده است؟ اصلاً مگر فرقی می‌کند؟ مگر مهم است؟ دنیا این‌طور است که اتفاقاتی برایت می‌افتد که دلت نمی‌خواهد، از اول هم همین‌طور بوده، تا آخرش هم همین است.

**به فکر خودت باش.** به فکر حق باش. دنبال نیاز خودت باش. نیاز ما به خداست. اگر خدا را داشته باشی، چیزی کم نداری، اما اگر خدا را نداشته باشی، یعنی حق با تو نباشد همه‌ی دنیا را هم به شما بدهند، در واقع هیچ چیز نداری و دستت خالی است. چون دنیا فانی است و آن‌که برای ما می‌ماند، فقط خداست.

دنيا فانی است، یعنی از ما جدا می‌شود. نه اینکه نابود شود. یعنی ما می‌رویم و دنیا هست. اما دیگر به درد ما نمی‌خورد. از ما جدا می‌شود. این خانه‌هایی که ما الان در آن‌ها زندگی می‌کنیم، قبلاً افراد دیگری در آن‌ها زندگی کرده‌اند، کجا هستند؟ آن‌ها رفتند، اما خانه هست.

حضرت امیرالمومنین علی (ع) امام العارفین فرمودند:

«خَلَقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ»

شماها برای عالم باقی و بقا آفریده شده‌اید نه برای عالم فانی.

خودتان را به کمتر از بقا و خدا نفروشید. قانع نباشید، به دنیا راضی نشوید. دنیا به هیچکس وفا نکرده است. صد و بیست و چهار هزار پیامبر الهی آمدند و دنیا به آن‌ها وفا نکرد. دنیا این چنین است. بقاء ندارد.

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»

هرکه روی زمین است دستخوش مرگ و فناست

چرا دنبال چیزی می‌روی و به چیزی دل می‌دهی که بقاء ندارد؟ درحالی که تو می‌مانی و آن نمی‌ماند. خُب حالا که می‌دانم وقتی من هستم، دنیا نیست، چرا به آن دل ببندم که زیر پایم خالی شود و ناگهان ببینم هیچ زاد و توشه‌ای ندارم و دستم خالی شده است؟ قرآن می‌فرماید «مثل کسی است که روی بلندی ایستاده و ظاهراً زیر پایش محکم است اما می‌بیند زیرش خالی خالی است، یک تکان بخورد، ریخته و افتاده است.» چرا جایی نمی‌ایستیم که زیرش پُر و محکم و قرص است؟

«الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ»

مومن مانند کوه استوار و محکم است که طوفان‌ها و بادهای تند او را تکان نمی‌دهد

یعنی اگر همه‌ی دنیا زیر و رو شود، تکان نمی‌خورد. در حالی که اگر ما نگاهی به خود بیندازیم، می‌بینیم وقتی که اوضاع کمی بالا و پایین می‌شود، ما هم با آن بالا و پایین می‌شویم. وقتی وضع مالی‌مان خوب می‌شود، حالمان جا می‌آید. اما همین که مقداری خراب می‌شود، حالمان هم بد می‌شود. تا وقتی سالم هستیم، سرحالیم. اما وقتی مریض می‌شویم، پکر می‌شویم. چرا ما باید ارزش و قدر خودمان را ندانیم و وصل کنیم به چیزهایی که دست ما نیست؟ دنیایی که ارزش ندارد، فانی است و وفا ندارد.

حیف است که انسان خودش را خرج دنیای بی‌وفا کند در حالی که خدا می‌فرماید این دنیا را خلق کردم که خرج تو شود.

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

تمام مطلب در همین کلمه‌ی «غفلت» است، این‌که در غفلت نباشیم. همه‌ی این کهکشان‌ها، به عشق من و شما در حال کار و گردش هستند که خودمان را پیدا کنیم و خدا را بشناسیم. اما توجه نداریم.

در روایت داریم «کسی که در زمین معصیت کند، زمین نفرینش می‌کند»، معنایش این است که این عالم که به عشق من و شما دارد زندگی می‌کند، نگاه می‌کند می‌بیند من و شما گم هستیم، معلوم نیست چه کار می‌کنیم، کجا می‌رویم، هدفمان را گم کرده‌ایم و غافل هستیم. بنابراین انگیزه خودش را از دست می‌دهد. با خودش می‌گوید: «این‌هایی را که من دارم روی خودم حفظشان می‌کنم، ارزش حفظ شدن ندارند، این‌ها ارزش ندارند که روی زمین باشند» بنابراین پشت و رو می‌شود و آن‌ها را مدفون می‌کند. مانند اقوامی که در گذشته بر آنها بلا نازل شد. ما خیال می‌کنیم این عالم بی‌شعور است. درحالی‌که همه‌ی این عالم شعور دارد.

«ما سمیعیم و بصیریم و هشیم وز شما نامحرمان ما خامشیم»

عالم به ما می‌گوید: «شما متوجه نمی‌شوید که ما هدف داریم. این عالم هدف دارد!»

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا»

آیا خیال کرده‌اید که بیهوده آفریده شده‌اید؟ (یعنی هیچ هدفی ندارید؟)

خدای متعال می‌فرماید همه‌ی عالم را برای شما خلق کردم و شماها را برای خودم آفریدم یعنی هدف شما خود خداست. لقاء و دیدار اوست. و اگر خودت را پیدا کنی، به عشق خدا همیشه زنده ای و مرگی نداری. انسان که نمی‌میرد، مرگ انسان، جهنمی شدن اوست. انسان بهشتی که نمی‌میرد، او حیات طیبه پیدا کرده است.

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی  
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ  
او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ  
من ز او جانی ستانم بی درنگ